

مبارزه ضد امپریالیستی  
از مبارزه برای دموکراسی  
جدا نیست

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۱۶

چهارشنبه ۹ دیماه ۱۳۶۰

سال سوم شماره ۱۴۱

## اعدامهای مخفیانه انقلابیون در سیاهچالهای جلادان رژیم

مدتی قریب به یکماه است، اینگونه بنظر میرسد که موج اعدامهای دیوانهوار رژیم فروکش نموده است. رژیم بیش از ۵ ماه است جوخه های مرگ خودحمام خونی به وسعت سراسر ایران سرپا داشت. جلادکه

از اوگیری مبارزه طبقاتی زخمی عمیق برپیکر خود داشت، شمشیر خود را سپهر سو میجرخاند. هیچ جنمنده ای در امان نبود نه فقط بخاطر مبارزه انقلابی با رژیم بقیه در صفحه ۱۳

## دانشگاه سنگرزادی است

در جهت ایجاد دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی مبارزه کنیم.

چندی است که سردمداران رژیم و از جمله خمینی "ستاد انقلاب فدرهنگی" را با احتیاط تمام به انجام بازگشتی مختصری! در مورد دانشگاهها فرامیخوانند و این ستاد نیز بنا بر "اوامر ما مانده در هفته های اخیر دست به ثبت تمام تعدادی از دانشجویان - که حداکثر ۲۵ واحد تا فارغ التحصیلی خود باقی مانده دارند - زده است و از این طریق چشم انداز

بازگشتی تدریجی دانشگاهها را ترسیم نموده است. بستن واحدها و دانشگاهها و آغاز انقلاب خونین فدرهنگی رژیم که با کشتار دانشجویان منطقه بست، هر چند در مقابل رشد سریع آگاهی توده ها در ارتباط با دانشگاه و انزوی کامل "حزب الله" و "حزب الهیون" در این محیط انجمام بقیه در صفحه ۱۰

## بحران رفریمسم

در اواسط آذرماه میانپناهای تحسنت بعنوان "در راه اندازان حرکتین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" با انحلال طلسمی مبارزه کنیم، از وحدت اصولی دفاع نمائیم "از سوی گروهی از کادرهای اکثریت که اخیراً "انتمساب کرده اند منتشر شدند. انتشار این بیانیه و مواضع اتخاذ شده در آن، این سؤال را برای بسیاری پیش آورده است که آیا این اشعاب بر چه اساسی صورت گرفته و کدام اختلالات ایدئولوژیک - سیاسی منجر به اشعاب گشته است؟ زیرا هر فردا سدی آگاهی که این بیانیه را با اندکی تاویل مطالعانه کرده باشد، بی خواهد بود که در اولین محکونه اخلاقی میان مواضع ایدئولوژیک - سیاسی جناح دیگر اکثریت و حزب تسویه وجود ندارد. حتی کنگره چپ های اکثریت (ما از این پس برای سهولت مطلب، برای این گروه اشعابی اکثریت نام نکرده چپ های اکثریت میگذاریم) نیز خود بدین مسئله بقیه در صفحه ۲

## متن قطعنامه های مصوبه در اولین کنگره سازمان

صفحات ۱۱ و ۴۰۳

## کمرستان

در معرض يك آزمون تاریخی  
در صفحه ۶

## پیامهای

اولین کنگره سازمان به ...  
در صفحه ۵

## اخطاها و هشتمی رفسنجانی عجز و ژیم را در مقابل بحران بنمایش مینهد

در هفته گذشته تا حدی دیدیم که هاشمی رفسنجانی در جلسه علنی مجلس شورای اسه دولت سر علیه شیوه های عملکردش اخطار کرد. هاشمی گفت "در مورد مسائل مهمی که مجلس تا بحال بصورت قانون تصویب کرده و اجرا نشده تذکر میدهم که اینگونه تاخیرها در شان دولت جمهوری اسلامی و - مجلس شورای اسلامی نیست که قانونی بگذرد و آن توجیهی نشود.... ما خواهش میکنیم این تذکر را جدی تلقی کنند و سه مصوبات مجلس احترام بگذارند.... ما بقیه در صفحه ۱۱

## سال نومیلادی را به هم میهنان زحمتکش و مبارز مسحی تبریک می گوئیم

۱۰ سال در شرايطی سال نومیلادی - آغاز میگردد که بهترین فرزندان خلق بجرم دنیا عا زمانه فح کارگران و زحمتکشان در زیر شکنجه دژ خیما ن رژیم جمهوری اسلامی بشهادت میرساند و گلکهای نوشگفته میهنان دسته دسته با گلوله های آمریکائی و اسرائیلی مزدوران سرمایه داری پریز میگرددند. خلقهای تحت ستم میهنمان با با تشویقهای آمریکائی بی خانمان می شوند و اقلیتها، مذهبی تحت شدیدترین بقیه در صفحه ۶

## در این شماره

- آوارگان جنگ در سازمان دهم
- بازرسی کل کشور تقلیدی....
- اخبار و اخبار مدارس
- مردم چه میگویند؟.....

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



### نظریات ما در مورد

### وحدت یا جناح چپ

نظریات ما در مورد وحدت جنبش کمونیستی ایران و فاشی آ مدن برپراکنندگی و خرده کاری موجود یک ضرورت مبرم و حیاتی است. جنبش محسوب میشود.

نظریات ما در مورد اعلام شده جناح چپ بسیار گریز و اطمینان است که در خطوط کلی مواضع ایدئولوژیک و اخترا تزئینک اختلاف اساسی با مواضع رسمیت یافته در کنگره سازمان ندارد. لذا کنگره -

پیشنها جناح چپ را منتهی سرپیوستن به سازمان بصورت می نماید این شرط که

- ۱- اساسا به همبستگی و همبستگی نظری و عملی سازمان را تجدید و بطرات آنها در جا روح نظرات موجود در کنگره باشد.
- ۲- شکل عملی آن مدارک رسیده -
- ۳- مرکزیت سازمان و سیاستمدان جناح چپ بصورت مرکزیت سازمان است.
- ۴- کلمه مسئولیتها شکیبای عمده و رفقای جناح چپ جدا جدا به مسوولیتها شکیبای و توان آنها با سواقی طرفین و بصورت مرکزیت سازمان است.
- ۵- کلمه رفقای جناح چپ که در آستانه جدا شدن از اکثریت عموسا زمان بوده اند بدون محدودیت عموسا زمان خواهند بود. مگر آنکه ما ماده ۱ این قطعنامه در تمامین صادق است.
- ۵- در مورد عضویت بقیه طبق اساسا به سازمان عمل خواهد شد.

### نظریات ما در باره وضعیت کنونی.

### وظایف و تاکتیکهای ما

نظریات ما در باره انقلاب دمکراتیک بوده ای ایران با قیام سپهر ماه و انتقال قدرت سیاسی به دست ارگان سازشی مرکب از نمایندگان سوزواری ولایه های -

فوقا سی خرده سوزواری در نیمه راه -

موقوف مانده است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره انقلاب با تکلیف فطری روبرو شده و یک مداخلات متمرکز، منجم و بهم پیوسته هنوز نسوا ننشسته است. طبقه فطری خود را برای انقلاب تا مین کند و تفریق کامل را احرار نماید.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

نظریات ما در باره این انقلاب دو جنبه نتایج به ما آورد و در سراسر دوران پس از قیام نهادمان این دو جنبه ما به این انقلاب، به صورت گشایش انقلاب و بعد انقلاب ادامه یافته است.

### نظریات ما در باره

### خط و مشی گذشته سازمان

جنبش کمونیستی ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است. این جنبش از نکل گیری اولین سینه های سوسیال دمکراسی تا امروز راهی سخت و دشوار را پشت سر گذارده است. در مسراین راه سخت و طولانی آگوستی عملی و نظریات رهبران حزب بوده در ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ بمشاور یک نقطه عطف منتهی و آغاز یک تکلیف استراتژیک مشخص میشود. جبارت نه تنها عت و اغشاده راه را پر شکوه مبارزه برای رفقای شریعت آرمید هرگونه ستم و استعمار توسط ما رکنیست - لنینیستهای انقلابی در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ بمشاور یک تولد نویسن و آغاز برپوشه ای جدید در جنبش کمونیستی ایران منحص میشود.

جریه ای که در سیه هکل روشن شد و به دنبال آن عملیات انقلابی پیشگان جنبش انقلابی ایران، مشت رفرمیستها و اپورتویست ها را را نمود. اپورتویست ها سی عملی حسابگرانه خود را اساسا نشوری های انحرافی شیوه میگردند و با درارگوشی و برمدعاشی، نیروهای جنبش کمونیستی را به گمراهی سوق میدادند.

مبارزه مسلحانه پیش آهنگان انقلابی راه را برای مدعیان دروغین ما رکنیست - لنینیسم صدود نمود. اکنون که پس از گذشت ۱۱ سال به ارزیابی خط منحنی گذشته سازمان می پردازیم، باین نتیجه میرسیم که:

۱- آغاز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ تولد جنبش نویسن کمونیستی ایران است. این تاریخ اعلام موجودیت سازمان چریکهای فدائی

### قطعنامه در مورد اعضای مستعفی

نظریا اینکه جندی بیش از برگزاری  
کنگره جندی از اعضا سازمان استعفا  
داده و علی الظاهر دلیل اصلی استعفا  
خود را عدم انجام غوری میارزه  
ایدئولوژیک علمی گنبد کرده بودند.  
نظریا اینکه مرکزیت سازمان از  
پدش استعفا ای اس افراد برگزاری  
کنگره خودداری کرده و از آن خواسته  
بود که ما توجه به نظریا اعضا، تنگنای  
مسائل خود را در کنگره طرح کنند و انجام  
وظایف محوله سازمانی خود را بدهند،  
لیکن آنان از این تصمیم سر باز زدند -  
سودند.

نشست کنگره بمنظور بررسی این مسئله  
و آگاهی کامل از مسائل مورد اختلاف،  
نامه های را تصویب رساند و درباره  
آنان خواست که در کنگره شرکت کنند و  
مسائل خود را در کنگره مطرح نمایند. در  
نامه همچنین فیدئو شده بود که مضمون نشنت  
نیز با حضور آنان تعیین خواهند شد.  
مثلاً این نامه آنان را استعفا ای خود  
را پس گرفته و در نشست حاضر شدند.  
پس از حضور اعضای مستعفی، کنگره  
و بحث و گفتگو بیرون مسائل مورد  
اختلاف، مضمون نشست را پان  
نوع آنها پیشنهاد می کردند:

الف - این نشست تنها بهانه یک  
پلیم وسیع قلمداد شده و تنها بر سر  
برنامه سیاسی سه ماهه سازمان تصمیم  
گیری نماید.

ب - اساساً سازمان بنحوی تنظیم  
شود که معیار عضوگیری همان معیارهای  
گذشته باشد.

ج - بر سر مسائل انقلاب جهانی  
عمر، و انترناسیونالیسم پرولتری  
موضع گیری و تصمیم گیری شود.

د - زمان نشست بعدی مناسب  
کنگره تعیین نکنند و هم اکنون مشخص  
شود و این تذکره که این مدت بنا باشد

طولانی بوده و حدود ۳ ماهه باشد، آنان طرح  
خود را بعنوان طرح سازمانی  
کمیته مرکزی موقت سازمان بسط  
برای دستور جلسه ارائه داده بودند که  
ارمید به ماه و اساساً به طرح اعضا  
مستعفی منطبق بود، طرح کمیته مرکزی  
موقت سازمان با توجه به آنکه ماهیت  
تشریفات و ادعاهای اس افراد سازمان  
بسیار متفاوت و اختلاف و ارجحیه میسازد  
ایدئولوژیک علمی روس شده بود، سود  
شرکت کنندگان بصورت و غیرتعمیم خواهد  
شرکت کنندگان میسر خواهد بود  
آنان در کنگره با اس خود آنان کنگره  
را سر کردند.

از اس روکنگره تصمیم خود را در مورد  
این افراد شرح زیر اعلام می دارند:

۱- اعضا مستعفی کدازای تعاریفات  
و فرمیستی بوده و پس از اشتباه مسدود  
تلاش میکردند مواضع انحرافی خود را  
در سازمان بسط دهند، و در نشست  
او خرابی بحث های تند موجودی کلی از  
مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان  
عدول کرده بودند، در کنگره نیز نشنت  
دادند که به هیچ روی حاضر نیستند درگیر  
یک میارزه ایدئولوژیک اصولی شوند، بیش  
از آنکه در یک میا حنه همه جا نبه درگیر  
شوند، کوشیدند میارزه ایدئولوژیک  
اصولی را با ابزار استعفا و گنازه گیری  
از میارزه به تخریب بکنانند.

۲- عمل آنان از لحاظ اصولی  
نا موافق بود بر بنسب های میارزاتی  
بوده و ناشی از روی گردان فعالی، خستگی  
ما یوسانه از میارزه بوده است.

۳- این اقدام یک نوع شکلیات شکنی  
و پشت پا زدن به تفهید میارزاتی محسوب  
میکردند و نشنت آن عبارت است از  
رسوخ سی بر بنسب در میارزه درونی و علم  
اعتقادیه کار انقلابی.

۴- بنا به دلایل ذکر شده کنگره اس  
افراد را بعنوان عناصر مرتضی و  
سازمان شکن از صفوف سازمان طرد  
میسازد.

### قطعنامه درباره شورای ملی مقاومت

نظریا اینکه "شورای ملی مقاومت" که  
پس از رویدادهای ۳۰ خرداد را اتحاد  
مهاجرت خلق وسی صدر شکل گرفت یک  
اشتلاف میان بورژوازی لیبرال خرده -  
بورژوازی محسوب میشود.  
نظریا اینکه این اشتلاف هماهنگی که  
در بر سه عملی خود در بر سه مه و تا کتیک  
نشنت داده است، میارزه ملی و مصالح  
انقلاب و سروری فطمی آن محسوب  
میکردند.

لذا ورود اس اشتلاف معارضت  
اماز آنجا که روس سیاسی پرولتاریا  
در انقلاب دمکراتیک براسی یا به منسی  
است که از موضع بازاری روی دمکراسی  
پرولتری، دمکراسی انقلابی خرده بورژوازی  
را بخود ملحق کند و اشتلاف را به سروری  
فطمی برساند.

از آنجا که در نقطه کنونی نگاه ملی جنبش  
ندارک قیام بصورت انبری عاجل و فوری  
در دستور کار قرار گرفته است و اتحاد  
دمکراتیک انقلابی و جمعی از تدارک قیام  
محسوب میشود.

لذا عدم ورود اس اشتلاف به معنای  
اتحاد یک موضع پایبند در قبال آن نیست.  
سیاست پرولتری در قبال "شورای ملی"  
مقاومت میارزه در جهت درهم شکستن  
اشتلاف لیبرالها و دمکراتها، و جدا کردن  
دمکراتهای انقلابی از لیبرالهاست.  
فشار بر این اسلوب انقلابی انجام این  
وظیفه محسوب میگردد و شیوه ای عملی این  
میارزه از یک سو زمان بندی مستقل جنبش  
طنفه کارگرو توده های مزدوم، منسی بر -  
اصول مفرجه در قطعنامه "وضعیت کنونی،  
وظایف و تاکتیکهای ما" و از سوی دیگر تلاش  
در جهت اتحاد یک آلترنا تیا انقلابی بر  
اساس اتحاد نیروهای چپ انقلابی و با لخره  
افغانستان یکگیری دمکراتهای انقلابیست.  
این سیاست بهیچوجه نامی اتحاد عمل  
نا توده های سازمان مهاجرت خلق در عرصه  
میارزه طبعی، و حمایت مشروط از  
میارزات شوریه در جهت منافع جنبش توده  
- ای صورت میگردد نیست.

سازمان مهاجرت خواهد بود که براسی  
برنامه حداقل پرولتاریا در اشتلاف  
دمکراتیک با دمکراتهای انقلابی وارد  
اتحاد شود، از اسرو اتحاد با سازمان  
مهاجرت خلق بریایه برنا به حداقل  
پرولتاریا در اشتلاف بشرطی مهاجرت خواهد  
بود که هرگونه اشتلاف آنها با بورژوازی  
در هم ننگسه تنده باشد.

### قطعنامه پیرامون شیوه پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علمی

خواهد کرد.

۲- از گروه ها و سازمانهای دیگر، بنا  
توجه به خط سیاسی - نظریک شان (که به  
خط ۲ ساخت میشوند) دعوت میشود که  
در این میارزه بطور فعالی شرکت کنند.  
سوسندگان میایدیا نام های مسردی  
اهرا، یا نام گروه یا سازمان به بحث  
سپردارند.

۳- بولتن میایدی بطور مرتب و با  
فاصله یک تا دو ماه انتشار یابد.

۴- مباحثات داخلی، از طریق ارگان  
نظریک داخلی هدایت می یابد.

۵- مباحثات در میارزه اشترا تزی و  
تاکتیک، و وظایف پرولتاریا در اشتلاف  
انترناسیونالیسم پرولتری و.....

طرز اسکه:

۱- جنبش کمونسیتی ایران در پراکندگی  
و نشنت سر می برد، معادان برنا مه متعجب  
و خط سیاسی تعیین در جهت مداخله در میارزه  
طبعی، شده است، بحران حاضر است -  
می یخند و منجر به عرصه تروهای چپ میشود.  
۲- میارزه ایدئولوژیک علمی، یک  
ابزار ضروری جهت حل بحران است، که راه  
را برای دست یابی به بریایه، انقلابی  
و احد و تئوری انقلابی پرولتاریا - هموار  
مکنند.

لذا کنگره میایدی:

۱- یک بولتن میا حنه در سطح جنبش  
اسارمی باید بین سولس تونل جنبشی  
تنظیم و هدایت خواهد شد، هشتی که منتخب  
کنگره است و رهبری، از زمان بران نظارت

### تصحیح و پوزش

در کار شماره ۱۴۰ صفحه ۱۲ قطعنامه  
مشروط به میارزه ایدئولوژیک علمی،  
تنها میایدی است حق گرا بیش مطرح میشود چرا  
که در کنگره اساساً پیشنهادی در مورد  
مسئله حق هیئت نویسندگان ارائه نشد  
و این اشتباه از سوی تنظیم کننده مقاله  
صورت گرفته که با این ترتیب اصلاح میگردد



# لهستان در معرض يك آزمون تاریخی

بحران لهستان که پس از گذشت بیش از یکسال در هفته های اخیر با دو چینی خود گرفته بود، با اعلام حکومت نظامی توسط باورنسکی دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحده کارگران لهستان در ۲۲ آذر وارد مرحله نوسنی شد. خیرمربوط است که اعلام حکومت نظامی در لهستان واکنش های گوناگونی را در سراسر جهان برانگیخت. در حالی که مرتجعین سراسر جهان و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا این اقدام حزب متحده کارگران لهستان را محکوم کردند و بر آوردن دست رفتن آزادی را آشکارا تشویق کردند، بسیاری از دولتهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست و سوسیالیستی برخی از احزاب رفرمیست به تائید کامل آن برخاستند.

امپریالیسم لهستان و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا که اکنون جا روح حال های - فلسفاتی خود را بر سر مسئله لهستان امزایش داده اند، مدتها تلاش نمودند تا با سبب مداخله خود در امور لهستان و حمایت از نیروهای مرتجع که در لهستان لایه گزیده بودند به تنهایی بر بحران لهستان وارد شوند. در این کشورها من زنده بلکه پیگیری به تلاش میکردند تا موقعیت استراتژیک لهستان این کشور را در هر یک کشور های اروپا که سوسیالیسم جدا سازد و با دروگاه خود ملحق سازد. از این رو - اکنون که تا حدودی این نفع های آنها نفس بر آب شده است، تمام تلاش تبلیغاتی خود را بر سر مسئله لهستان متمرکز کرده اند اما اشتباه بزرگی است هر آن کسی بخواهد از مداخله امپریالیسم و حمایت بینیمانی آنها از نیروهای مرتجع لهستان استن

نشیخه را بگیرد که سرفراری حکومت نظامی راه حل بحران لهستان است. حصار ریشه بحران عمیقاً در خود لهستان حزب متحده کارگران لهستان نهفته است. ریشه تا ریشه ای در میان بوده های مردم لهستان و پولنای ریای اس کور، شکل گیری همسنگی و سرور بحران اقتصادی - سیاسی در آن کشور، به آسمان نشاز شده است، و به کالای ما در آسی امپریالیسم محسوب میگردد.

ریشه بحران لهستان در عدول از سوسیالیسم و احرفات ایدئولوژیک. تمام اجزای نهفته است که در امریک رفیق استالین از خط و منی بیکیسر بیرولتزی عدول کردند و با پذیرش سبب های ر و بر سوسیالیستی خروخند سوسیالیسم را تا بدان حد با خطا ط کشا ندید که امروز در لهستان کارگران در مقابل حزب دولت خود قرار می گیرند، و سوسیالیسم با بحران اقتصادی و سیاسی روسرو میگردند، فاجعه است که پس از گذشت سزده سال ۴۰ سال، در یک کشور سوسیالیستی و حاکمات او مداخله اقتصادی و سیاسی سبب مرحله ای برسد که حکومت نظامی سرفرار شود. فاجعه است که طبقه کارگر لهستان با آن همه سخت های مبارزاتی به رهبری حرا با این سزده سال در دست ما بوی سوسید و تصویر با بر سر سوسیالیسم و برسد. از این رو سستی از آنکه هر کمونیست بخواهد امپریالیسم جهانی و همه مرتجعین را محکوم کند، با سبب حزب متحده کارگران لهستان را بر سرش کشد که با احرفات ایدئولوژیک و سیاسی غلط خود - حاکم لهستان را به مرحله ای از بحران -

سوی داده است، که مرتجعین جهان قادرند سانسهای حرا نکا را به وضعا نقلا می خود را در آنجا پیش برند. از این رو امروز سبب اعلام حکومت نظامی در لهستان راه حل بحران نیست. سرفراری حکومت نظامی یک درمان لحظه ای و تا آنجا قابل تائید و حمایت است که طبقه لهستانی حرا نکا را به امپریالیسم امپریالیسم سبب مرتجعین میگردند، اما ریشه بحران همچنان با سرجاست. حکومت نظامی قادر نیست ریشه های بحران را بکنند، راه حل بحران لهستان، در حاکمات بدن ریشه های بحران، در مبارزه با احرفات - ر سوسیالیستی حاکم حزب متحده کارگران لهستان، در طرفداری سوسیالیسم حروختی، در سیردن اسکار عمل دست خود کارگران، در استغفار ادیکتاتوری بیرونی با سبب ای احص کلمه و سوسید ارگانیک حزب و طبقه نهفته است. این سبب که راهی است که به تنهایی در است لهستان را از بحران کنونی نجات بخشد بلکه آنرا در سراسر هر دو سه ارتجاع مضمون نگا هدارد.

اکنون لهستان در معرض یک آزمون تاریخی قرار گرفته است، با طبقه کارگر این کشور و حزب متحده کارگران لهستان از تجربه گذشته خود می آموزند و با سبب احرفات و اشتباهات فاجعه آلوده پیش میروند تا آنکه با حفظ احرفات ایدئولوژیک - سیاسی خود زمینه را برای گسترش هر چه بیشتر نفوذ سوزو زوی و بحراهای وحیم و عمیق سرفرا هم میکنند.

## بازرسی گل کشور تقلیدی از بازرسی شاهنشاهی

اختراً رژیم دست به حمله گهمنه نده ای زده و هیئت های را ما مورسیدگی سبب شکایات مردم نموده است. از جمله اینکه چند مزدور رژیم ما مورسیدگی به وضع زندان اوین و سایر زندانها نده اند. اطلاعاتی که هم اکنون با در زندانها هستند و در صحنه مبارزه با رژیم حرا نکا جمهوری اسلامی حضور دارند خوب با طر دارند که در سالهای آخر رژیم شاه و همزمان با اوج گیری جنبش خلق، هیئت های از سوی دربار به ما وارد زندانها رفت و هدف از این حمله همان است که سبب اصطلاح شاه از حنا سات مردوران در زندانها بی اطلاع است و این هیئت میخواهد به بررسی اشکالات پیدا در آنها به تنهایی زده اما با سبب آسان را سبب زندانها راه ندهند بلکه مردم قهرمان ایران سرفراری این سببها را خورده و همچنان دست از مبارزه برنداشند -

لاخره با دستهای توانای خود مردان اطلاعات را آزاد ساختند. اینک رژیم

## معامله با امپریالیستها...

حال اگر کشیهای امریکائی را که مدنیا پیش دور از ما حل خلیج فارس - لیکرمانندارد و کشیهای ایرانی - سلاحهای مورد نیاز ایران را از آنها با رگبری کرده و به ما حل می آورند و اگسهای حاصل انواع سلاحها که بر سر از اسنگاه راه آهن تهران تخلیه میشوند را به سخنان و فیجا به سردمداران رژیم جمهوری اسلامی سفراسیم، روشن میشود که این حنا ساتان تا چه حدند.

امپریالیست هستند و مشخص میشود که سببهای صدا میربا نیستی آنها تا چه حدی می محو بوده و هدفی جز تربیت مردم نندارد.

حمیتی سزدر کلمه زبانه ها به تقلید می ناسیانه ز همان نرمندها پیدا حنه و حال آنکه مردم ایران با کسب تجارت سببهای گوناگون رژیم گذشته، حنا سات دژ حمان حمیتی را از خود او و کل رژیم جدا دانسته و مبارزه برای آزادی - مردان اطلاعات را جرحی از مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی میدادند.

## سال نو مسیچی

سبب از صفحه ۱  
فنا رهای فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. سبب آزادیهای سیاسی و حقوق دیکر انیک از سوی رژیم حنا نکا جمهوری اسلامی گزیه مشمول همه خلفهای است اما این بخش از موطبا همان حتی از سبب گزاری مراسم مذهبی و با آموزش زمان خود نیز محرومند و در عوض مزدوران رژیم در مدارس آن آموزان مسیچی را وادار به خواندن سبب زبوش اسلامی میکنند که با مقایسه یکبار چه دانش آموزان مواحه گشته است. اما همچنانکه این بخش از هم میهنانمان آگاهید ما رزه برای جوانهای دیکر انیک جدا از مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی نخواهد بود.

ما ضمن تبریک به هم میهنان زحمکش مسیچی، ایمان داریم که سال نو آغا زگر مبارزهای پرشکوه از سوی کلیه خلفهای ایران بر علیه رژیم حنا نکا جمهوری اسلامی باشد.







# گزارشی نگاهندهان

کردند در این اوقات چندین یاسدار را زحوی بودند که از افراد مختلف با روحی میگردید پس از طوایق و حواب اولیه مثلا اجرا در آن محل حرکت میگردید چراغ نجاتی و دست چیت بد من و چند نفر دیگر که دستهای با یکدیگر را بگیرد و تا تمام و سرود دست نثار اول را یک یاسدار گرفت این وضع ادامه داشت تا ساعت ۴ بعد از ظهر. در این ساعت ما را صدا زدند و سردی در یک سالی با یک و جنوی یکی از اطاق ها با ساندن و یکی را به داخل اطاق سردار بیرون مدای دوفورا دوسدای فریاد انقلابی شاع و جانساری به گوش می رسید. مدای اس افراد به هیچ جا نمی رسید. مدای یاسداران جلاد که اعتراض کن میگو. با رهم سمدت به تحت روی سخت با رهم ورده ها را به دست آورسان کم. فدای آن دهمه را سر کرده بود از طرفی مدای فریادی که می گفت، آخ - آتش گرفتیم، سوختم و دیگر که میگفتند: آقای با زحوم با شین سیا و رید و مدای افتادن خمی که من فک کردم و ... را انداختند روی زمین و مدای شلاق و مدای یاسداران جلاد که با خون عالی خدا خدا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدارند و مرگ سرفاق وانگزه انگزه را سر میدادند تا آن راه خدا نفا را میرسانند حلاصه بعد از حدود یکساعت مرا به یک اطاق بردند. لازم به تذکر است که نه علت زیا دیدن تعداد دستگیر شدگان هر از - جوشی در هر دقیقه حداقل ۶ نفر را به اطاق با زحوشی آورده و از این تعداد بعد از با زحوشی، تعدادی را به اطاق شکنجه می فرستادند و تعداد دیگری را هم با زحوشی میگرد. به این ترتیب که از یک نفر را می پرسید و یک نفره به او میدادند تا سئوال را جواب دهد و به سر وقت دیگری میرفت و باز بعد از مدتی به سر وقت اولی با دیگری میرفت. این شکل همواره ای برای شکنجه روحی بود و همواره ای برای هر چه سر به سر برهم بندی کردن با زحوشی به علت زساد بودن میهنی.

از این اطاق مرا مجدداً به همان جای اول طوی همان درب اطاق قبلی بردند. پس از نیم ساعت که گذشت مرا مجدداً صدا زدند و تا می برده در مقابل یک نفر سرد که معلوم نبود کیست نگاه داشتند و بعد از آنکه او گفت آره، ملا بیرون آوردند پس از ده دقیقه دوباره مرا به اطاق بی نورانی برده گفتند چشمها بست را ببند و چشم بند را تا لوزن، و پس از مدتی که یک نفر گفت آره چشم بند را بیا تیش آوردند مرا بیرون آوردند. این رفتار روعی مرا خیلی خراب میکرد. نمی دانم پس کارها برای چیست؟ حدود ساعت ۲ بعد از ظهر مرا داخل اطاق کرده و سمدیک و رفقه من دادند که در آن سئوالاتی نظیر اسم، نام پدر، نام خانوادگی، سن، شغل، تابعیت، دین، محل، قامت، محل تولد، همسر داری، مسائل مذهبی، سواد داری، در سئالات این صفحه نوشته بود. در همان حین که من این سئالات را پاسخ میدادم نفر دیگر را با زحوشی میگردند. که دوسر آنها را شکنجه داده بودند. پس از نوشتن سئالات توسط ساحتی شفا می آرمن خوانند و بعد از آن زمین گرفتند. آسرا به اطاق دیگری برده با گفته های قبلی من تطبیق

دادند. پس از نیم ساعت آمده مرا به اطاق شکنجه برده و جلادی با لحن خفشار آمیزی گفت، دستها بست را با لاکن و زارها بست را خم کن و دیگر حرکت کنی، بعد هم رفت. از زیر چشم سمدنگا می به اطراف کردم دیدم یک پسر از صبح دست به حلقه های آویزان است و پاهای او به زمین می رسد و یک نفر دیگر را به سخت سه بود و سه و ورنه آویزان کرده بودند. در یک اطاق دیگر که در آن اطاق به اطاق ما ساز - سمدنگا نفر دیگر برده که او را شکنجه میکردند. حدود ۱۵ دقیقه گذشت و من به سخت خسته شدم و کمی روی پاها هم شستم یک دفعه آمدند و گفت چرا سمدای بلند شو خاش مت نین و بعد چند سلیقه مصرع ردی یکی همه چیز تا موها چند کتک به هایم که روی را زخمی کرده گفت: اثر تشراف را بگوئی یا سوخج کاری نداریم و اگر بگوئی سوخج مثل اسها خواهی شود و بعد رفتند سراغ آن یکی که آویزان بود و چند شلاق به پاهای او بران آورده و او از شدت درد فریاد میزد. من دارم میمیرم دستها هم دارم قطع میشود، کمی به من آب بده، آن یکی که روی تحت بودی گفت آب بخور! من میگویم ورنه ها میمیرا برود دست - هایم را در قطع میشود. جلاد او را هم چند شلاق زد و در وقت حدود ۱۵ دقیقه دیگر سرگشت آن پسر که آویزان بود گفت: خواهش میکنم سمدلی را بر سر پا بگذار، جلاد سمدلی را از پریای او گذاشت و گفت حالا لنگو که باکی که می تندی و غیره و او با رهم سمدت من که همه چیز را گفتم چرا اسبهمه مرا شکنجه می کنید، من آرزوی مرگم را دارم، خدا چو مرا نمی کشی، بویا زرفت و چند دقیقه بعد آمدند و گفت: سمدلی را از سر پا بست کش و سپس به او گفت برو با لوزن و رفت بعد از یک دقیقه تا کجا ن سمدلی را بدون آنکه به او برگرد (چون او در حال کسبی استراحت بود) با لنگی از پریایش پرت کرد و او آویزان شد و جلاد شروع به شلاق زد و من گفتم، پس به سراغ آن دیگری رفتم و شروع به شلاق زدن به او کرد. در حالیکه او شلاق میرد، جلادان دیگری بی خالی تمام پریا خویشالی شروع به خواندن خدا یا خدا یا، تا انقلاب مهدی را کردند و بعد هم آمدند و مرا بردند دوباره توی اطاق بار - جوشی دوما را برده و فرقه دادند.

مرا به سالی آوردند. حدود ساعت ۹/۵ شب در من خیلی گرسنه ام بود و گفتم من گرسنه هستم، نه را نخورده ام، سردم است و خسته هستم می توانم استراحت کنم. گفتند نورا درس آوردند و غذا نیت و ما هم خسته هستیم تا حالا بدنه خاطر شما خوابگاه - ها و منافقین کار شکنجه. بالاخره اجازه دادند توی سمدلی بنشینم که چند دقیقه بعد یک جلاد دیگر آمد و گفت اسبها چرا خوابیده اند. با لالند شو به در سوخته - ها ...

دوباره مرا و چند نفر دیگر را به اطاق با زحوشی بردند به من گفتند دستها بالا بیا و پاهایم بخشود و آنها را بردند. من از زیر چشم سمدنگا می به اطاق دیگر که در آن آن به اطاق ما با زمین دیگر در یک تخت جوشی را دیدم، روی مسزود سوارها قطرات خون بود و کفش هاشی بود که بعد از شلاق زدن باورم مسگرد و غیر قابل استفاده میشد و برای آن کفش دیگری می آوردند و مقداری هم به سیگار که روی زمین افتاده بود و سیگار مقداری کابل برق سیاه رنگ، دو نفر که می پرسیدند رویه دیوار را پستاده بودند و آنها را میگردند. در اطاقی که من بودم یک نفر آویزان بود و یک نفر روی زمین افتاده بود که تمام لباسش غنی میسود و یک نفر در طرف دیگر اطاق که به پیش

بود که بعد یک جلاد دیگری گفت: از شدت دردها و آمبول سیهوشی زدم! و هر چند وقت یکبار می آمدند و سه و می گفتند بیدار شدی، است چیست و چون جوابی نمی شنیدند او را به حال خود گذاشته می رفتند. در اطاق دیگر هم یک نفر دختر را "فلا" حدود نیم ساعت پیش به تخت بستند بودند و سه و ورنه آویزان کرده بودند در کف اطاق نشسته و یک نفر بر سر دیگر بود که بعداً "بک جلاد" مذکور گفت حالا قرار می کنی، بر شاخه شما کیت و چون جواب نداد گفت: میخواهی دوباره به تخت سمدت و بعد از اطلاق زد.

بعد از همه مرا صدا زد و گفت در حقیقت شما قاضی هست ولی مرا با یک نفر دیگر به طقه، دوم برده به یک یاسدار گفت که جاشی برای خوابیدن به اسبن دوسم رفقه، من از زیر چشم سمدنگا کردم دیدم که حدود هزار نفر بیشتر خوابیده اند هر دو نفر یک بتوی نازک برای رویشان سمدادند. من و آن نفر دیگر را بست به پشت حوابا بستند. تعدادی هم دختر و پسر در سالی ایستاده بودند تا نوبت باز - حوشی آنها برسد. مدای چند یاسدار به گوش می رسید که وقیحا نه با یک انقلابی برخورد میگردند و حرفهای رکیک و لطمی به او میزدند و او همسفا وقت میگرد. بعد از به اطاق شکنجه برده و حدود ۱۰۰ شلاق به او زدند و البته مدای آه و ناله، میا رزان دیگر هم میآمد. پس از مدتی یک یاسدار جلاد مذکور به یکی از یاسداران گفت آن زندانی دارد - حالش بهم میخورد و او را ببرد دستشویی و بعد هم یک دختر با زشتی شده را آوردند تا چند نفر از یاسدارانی را که بر شکنجه حالشان خیلی خراب شده بودند و او کند تا ساعت حدود ۲/۵ نیمه شب هنوز شکنجه می فرمایا دوما زحوشی آمده است و بعد از آن سکوت مرگباری بر فاقی سالی حکم فرما شد. ساعت ۵/۵ صبح برای نماز ما را صدا کردند و بعد از آن نماز جا زده خوا بیدن نداشتند و برای صبحانه نیز مقداری نان و پنیر آوردند که به علت مریضی ما را احتی روعی کسی نما بیل به خوردن نداشت، جای شیر آوردند که به بعضی رسید و بعضی نرسید.

ساعت ۹/۵ صبح ما را به طقه، پائین بردند و یک اطاق نگاه داشتند و ۶ نفر ۶ نفر صدا می کردند. در این موقع در نفر اردختران میا رزرا آوردند که شکنجه شده بودند یکی از آنها روی پاهاش آنقدر شلاق زده بودند که پاهاش با دکرده بود - جای حلقه های روی دستهاش که زیر پوشش خون مرده بود و جود داشت و دیگری روی تمام بدن و صورتش و پاهاش شلاق زده بودند تا شلاق در همه جای صورتش، دستها و پاهاش با دکرده اش دیده میشد. یکی از این دختران را سه روز متوالی شکنجه کرده بودند و دوباره او را صدا زد و بعد از یک ساعت او را آورده که تمام پاهاش خونین شده بود و به دستهاش دستبند زده بودند.

اینک جلادان خمینی روی جلادان - ساواک شاه را سفید کرده اند و تنها این - جنایات با جنایات هیتلر و مهبونیستها قابل مقا به است. فرزندان انقلابی خلق هر روز دسته دست شکنجه گاههای اوین و سایر زندانها شهید میشوند و پس از شکنجه تا آستانه مرگ میروند و سپس به جوخا بعد از سپرده میشوند با شکله خلسنی قهرمان ایران انتقام فرزندان انقلابی را از این جلادان بگیرند. "دروا شفا برزند" نشان سیاسی این فرزندان راستین خلق



تهران - دبیرستان حکمت ۹/۱۷۰

به دنبال اخراج یکی از دانش آموزان در این روز قبل از زنگ یکی از دانش آموزان را به شدت میگردند، تا جایی که روپوش و کفش و جوراب او را در میآورند و تمام کتابها و دفتر او را به زمین ریخته و ورق به ورق دفتر او را میخوانند. این مسئله باعث خشم دانش آموزان میگردد و ساعتی بعد تمام دیوارهای دستنوشته مدارس آنها را انفلاسی برمیستود. این حرکت باعث وحشت و اضطراب مزدوران و مدرسه میگردد. بزرگ تفریح دیویدار، یکی مسلح و دیگری ظاهراً بدون سلاح وارد مدرسه می شوند و پس از صحبت با مدیران مدرسه خارج میشوند. پس از خروج پاداران از مدرسه، دانش آموزان نسبت به آمدن نیروی نظامی به مدرسه دست به اعتراض میزنند.

۶۰/۹/۱۳

با وجود تفتیش بدنی شدید و مراقبت ها، سوسان باز هم فعالیت سیاسی، شمار نویسی، بخش اعلامیه، در مدرسه ادامه داده. در این روز عوامل رژیم تصمیم میگیرند آنها را که کارت تحصیلی شان فرماست (بلانکسف میباشند) را شنیدند گشته تا با اصلاح فدا انقلابیون را بشناسند در نتیجه این امر دانش آموزان محصور میگردند و کفش و جوراب خود را در آورند و لباس مدرسه را از تن آنها در آورند و شلوار آنها را تا از انبساط لگن و سوراخها جدا کنند. موفق به پیدا کردن چیزی نشدند. مسئولین مدرسه آوردن غذا و نان و پنیر و ... را نیز ممنوع کرده اند زیرا که تصور می کنند دانش آموزان در داخل غذا و نان و پنیر - اعلامیه مخفی می کنند.

۶۰/۹/۱۴: در این روز طبق معمول انجمن اعلامیه برپا شد. صبحگاهی خویش را احرار می کنند. در آفرین برپا می کنند. از جاسوسها شمار میدهد: "تا خون در رگ است ما دست نهد به رهبر ما است" و از دانش آموزان می خواهد که شمار را تکرار کنند. اما کسی شمار نمی دهد به غیر از ۵ - ۶ نفر، می گوید خواهرها را بدهید، با زکمی شمار نمی دهد به غیر از همان ۵ - ۶ نفر. ناظم با عصا نیت بلندگورا می گردومی گویند خواهرها هر چه گویند تر شمار بدهید، با ز - کسی شمار نمی دهد تا نظم حزبی، شمار را عوض می کند، اما با زکمی شمار نمی دهد، ناظم با عصا نیت فریاد میزند: چرا ۱۰۰ نفر فقط ۶ نفر شمار می دهند، و با این جمله خودش را رسوا می کند. و با لاف زدن و مسئولین از دانش آموزان می خواهند به سر کلاس بروند.

رشد دانش - دبیرستان دخترانه

در این دبیرستان نیز مانند سایر دبیرستانهای ایران جاسوسی و تفتیش بدنی به حد زیادی اجرا میشود. در روز ۶۰/۸/۱۰، توسط هواداران سازمانهای انقلابی از جمله هواداران سازمان شمارهای فراوانی در رابطه با فضای انجمن اسلامی و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بر روی دیوار مدرسه نوشته شد و بر حسب هاشی نیز در این رابطه چسبانده شد. این کار موجب دانش آموزان را برانگیخت و مورد استقبال آنها قرار گرفت و ترس حوسان رژیم را افزایش داد. صبح روز ۶۰/۸/۱۱ تفتیش بدنی خیلی

اخبار مدارس

شدیدتر شد طوری که لای موها ولای دفتر و کتاب دانش آموزان را بیدند و بدقت تفتیش می کردند. در همین روز مدرسه در سخنرانی سرمد بعد از قعاشی به نیروهای انقلابی برای چندمین بار اعلام کرد، آوردن ماژیک، اعلامیه، عکس و غیره ... فقط مخفی به انجمن اسلامی بوده و در صورت همراه بودن اس و ماژیک با دانش آموزان دیگر آنها اخراج خواهند شد. دانش آموزان با خنده و تمسخر و اعتراض خود را نشان دادند.

از صبح همان روز کنترل سوراخها و دستنوشته ها سرشده تر شده بود. طوریکه در ساعت درس در صورت خروج دانش آموزان از کلاس فوراً یک انجمنی سرمد تا لگن از کلاس بیرون میبرد تا با اس وجود شمار نویسی یا رهبران اعلام می کند. و این در حالی است که حوسان انجمن ارباب کردن شمارها به سنگ آمده اند و هنوز موفق به دستگیری شمار نویسی ها نشدند.

تهران - دبیرستان ... بهشتی  
دبیران این دبیرستان به حق سروس که ما هیا نه ۱۰۰۰ ریال است اعتراض نموده اند. هم چنین بخش نامه ای - دبیرستان آمده که حق التدریس ۳۶۰ ریال برای لیسانسه ها و ۲۲۰ ریال برای فوق دیپلمها کاسته خواهد شد.

منطقه ۹ - تا من ارتش نسبت مطبوعی با استقاده از دانش آموزان مدارس ابتدائی  
رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی احرار جهت احیای نیروی تلف شده خویش در سطح از دانش آموزان ابتدائی استفاده می کند و آنها را برای خدمت در سطح جاسوس سرما به آموزش نظامی میدهد. احرار یکی از مدارس ابتدائی منطقه ۹ تعدادی از دانش آموزان کلاس های سوم و چهارم را که از لحاظ جسمی با صلاح رشد کافی داشته اند مدین منظور شد نام کرده اند. در این انتخاب حتی از دانش آموزان عقب مانده ذهنی سزخم سوشی شده است.

منطقه ۱۰ - شمار احرار در مدارس ابتدائی: شاخکهای جاسوسی حکومتگران اسلامی برای کشاندن دانش آموزان به صفوف نمازگزاران در مدارس، از شرکت های گوناگون و تشدد و ارتعاب گرفته تا خواستن خلاصه ای از خطبه های نماز جمعه استقاده کرده اند که به تکست آنها میده است و دانش آموزان شان دادند که زور و ارتعاب نمی تواند آنها را تسلیم سیاستهای ارتعابی حاکمیت کند. احرار در یکی از مدارس ابتدائی منطقه ۱۰ آموزش و پرورش، آموزش ریختنی خواستار شرکت دانش آموزان کلاس چهارم و پنجم در نماز شده که با عدم استقبال دانش آموزان مواجه شده. مسئول آموزش ریختنی جهت حضور نمودن دانش آموزان در نماز حضور و غیاب را به نمازخانه برده و با مسی دانش آموزان غائب را با دداخت می کند تهران - دبیرستان آذر حاکمیت که به نسبت تعدادت با بر قرار "حاکمیت حزب الله" در مدارس از

فعالیت انقلابی دانش آموزان جلوگیری کرده و حشش توفنده، دانش آموزی را از حرکت باز دارد، از آغاز سال تحصیلی با اخراج و اعدام دانش آموزان میسازد. ماه سوم دیکتا توری خویش را بر تمامی مدارس گذرد. اما دانش آموزان هرگز - لحظه ای از ادامه مبارزه دست برنداشتند. در هفته اول آذر ماه دانش آموزان پیشکام دبیرستان آذر طی یک فرصت بدست آمده مقدار زیادی از اعلامیه های سازمان را سین دانش آموزان حیاط بخش می کنند که مورد استقبال دانش آموزان قرار می گیرد. آموزش ریختنی پس از این حرکت انقلابی که در سال "حاکمیت حزب الله" و "گفتنی" هم خانه، حوسان حزب اللهی انجمن گرفته بود عصائی شده و تفتیش بدنی معلمین را سز برقرار میسازد. این اقدام با اعتراض معلمین لغو می گردد.

دبیرستان سلمان فارسی: احرار در این مدرسه پس انجمن اسلامی و حشنه آنها در گماری روی داده که منجر به مقاله، رویا روی آنان شده است. لازم به توضیح است که این مورد در اکثر مدارس به حش منخورده. این اختلافها عمدتاً بین دارو دسته حشنه و هواداران حزب جمهوری اسلامی و هم چنین بین آموزش ریختنی و مدیران برخی از مدارس شدت گسترش یافته است.

دبیرستان دخترانه، ولی الله نصر - ۲۳۰/۳۰۰/۳ - فرزند دانش آموزان - هواداران ما هدی را از کلاس درس سوسله افراد کمیته دستگیری می کنند و دیگر از آنها خبری نیست. این واقعه در شرایطی اتفاق می افتد که رژیم با سوش و کرنا اعلام میکنند که "حاکمیت قانون برقرار است" وزارت آموزش و پرورش بخشنا به صادر میکند که از محیط مدرسه کسی حق ندارد دانش آموزی را دستگیر نماید چون تاثیر منفی روی سایر دانش آموزان میگذارد. دبیرستان خوارزمی ارتعاب - نیمه دوم آذر ماه - جنیدی قبل شمار نامه های انقلابی بروی نخته کلاس و دیوارها نوشته می شد. بعد از تعقیب و مراقبت انجمن اسلامی در نیمه دوم آذر ماه، با ساداران سرما به به مدرسه مذکور حمله کرده و یکی از دانش آموزان کلاس سوم نظری را دستگیری می کنند. دانش آموز مذکور مقاومت میکند و در حین دستگیری اقدام به شمار دادن می کند و شمار میدهد "مرگ سرخمنی با ساداران او را کشان کشان با خود می برند. دانش آموزان پس تنفر تمام شاهد این عمل جنایتکارانه با ساداران بودند و دانش آموزان را تا دم در مدرسه بدرقه کردند در حالی که از خارج و تنفر خود را از این اعمال وحشیانه اظهار می نمودند.

دبیرستان هدف - ۶۰/۹/۸: بعد از ازیش گرفتن سنان، از بلند کوی دبیرستان دانش آموزان را دعوت کردند که پس از شما ساعات درس از مدرسه خارج نشوند که خبر از ازیسندگی سوشی مدرسه گوش کرده و شمار بدهند. ولی همه دانش آموزان سحر ۴۰ نفر حزب اللهی به خانه ها شان رفتند. مدرسه، سوساران - ناحیه ۱۳ سابق آموزش ریختنی این مدرسه به حرم فعالیت در انجمن حشنه اخراج شده است.

نصفه در صفحه ۱۰

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست







## کمکهای مالی دریافت شده

۲۶۱۹	۳۱۱۱
۲۲۲۲	۱۸۱۱
۱۲۲۲	۳
۵۵۰	۵۵۰
۱۵۰۱۲۱	۵۱۰۰

کمک های مالی	رقمهای	م	۷۷
هوادرارمان	در	واکنس	۲۰۰
مرکب	فاسم	۲۱۹	۱۰۰
هارنغورد	۲۸	واکنس	۲۲۸/۷۵
سورگن تاوان	۷۰	ب	۵۰۰
ساقالو	۶۰/۲۵	ک	۲۲۲
و - ۶	۱۰۰	ه	۲۰۰
و - ۸	۱۰۰	م	۲۱۸
اتر	۱۸۵	ف	۲۲۲
بلوسنگتون	۲۸۲	ب	۲۱۵
رفواکنکدر	۲۱۶	ل	۲۱۵
سار - ایدان	۲۵۸	ل	۲۱۵
رفواکنکدر	۲۲۱	لاریس	۲۲۰
یوا	۲۰۰	سنگاکو	۲۲۰
ک	۲۱	ب	۱۳۰
ک	۶۰	پیتسبورگ	۲۰
ک	۳۰	ب	۱۲۲
بوئون	۲۴۵	ج	۱۰۰
سن لوئیس	۲۱۰	ج	۱۲۲
ز	۱۰۰	ل	۲۰
ل	۱۵۴	ل	۲۰۰
ل	۱۰۰	سیورک	۱۱۸
پیتس	۱۵۰	رالا	۳۰۱
دلان	۱۷۵	م	۵۰
فلک استب	۳۵	ل	۲۲۸
ج	۱۴۵	ل	۲۲۲
گت اهايو	۳۰	ل	۵۵۵
ن	۵۰	بوئون	۱۱۰
ن	۵۰	سری هوب	۱۲۰
یلمن	۹۸۰	ب	۱۰۰
وايوننيک ل	۲۰ - ۸۰	بناهم	۸۲
سرق	۲۲۹/۲۵	ن	۲۰۰
الکندر ل	۵۰	ب	۳۰۰
انسویورک	۱۸۵	ب	۲۰۰
سورگن تاوان	۱۵	ل	۲۲۰
ب	۳۱۲	ل	۲۲۰
اوهايو	۳۱۰	ل	۲۲۰
لوئیزیا	۱۳۱/۵	ل	۲۲۰
اسی	۱۲	ل	۲۲۰
م	۸۰	ل	۲۲۰
دلانی	۲۵۰	ل	۲۲۰
ی	۹۴۵	ل	۲۲۰
لین	۷۰۰	ل	۲۲۰
کازان	۲۷۵	ل	۲۲۰
س	۱۰۰۰	ل	۲۲۰
لوئیزیا	۱۲۰	ل	۲۲۰
ن	۴۰	ل	۲۲۰

## مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

در ساعت ۵ بعد از ظهر در خیابان حیا م مستظرا سوسوس هشم، تاکیان فرید دزنی که حدود ۲۰ ساله میماند، نظر همه را جلب می کند. همدراکنشند، همه حواسهای ما را کشند، مردم چه مرکبان شده، چرا ایستاد نمی توبند؟ کمی جلو میروم و به آرامی میبرشم "چی شده تا گوته" حاد رنگ و روغنه تراشکها بشن را با یک مکندوسا جالی کدرد و عماران میبارد میگویند "چی میخواستی بود، بجهام، جگر گوشه ام را از من گرفتند، چرا ایستادند؟ چرا حقه خون گرفتند؟" کا زگر حواسی که ما زن و بچه اش مستظرا سوسوس بود گفت "سر دادندش به ما، ما در سردانه یان بالاخره بلند - منوبد" زن آهی کشید و گفت "کی؟ دیگه ایستاده ام؟" جهره اش فوق العاده زرد شده مستظرمیرد مدتهاست چیزی نخورده در همین جنس مینی بوسی رسیده که تنها به یا چهار ما فریاد زد، همه سواردیم، به - محض بستن صدای غم گرفته زن در میبینی بوس بیچند "حواسها را می کشند، یک مشت بیرونا مال زندگی کشند، آخه بیبر می توانند مشتک داری کند، چرا حواسهای مردم را می کشند، سسید اینها دردتون چیه، - همیشه بودند که انقلاب کردند، تو را سیار دید که بلای خاشاک بتوی، "دو - دستی به سسهاش کوبید و گفت "ای خدا تو با بدای تمام حواسهای ما را از ما سسها بگیری" یکی از زنان چادری ته مینی - بوس نشسته بود با خشم بصورتی که همه خاطرش به خمینی است میگوید "پیر هاف - هاف" در جنسهای ما همین نگاه میکنم بغرت و خشم موج میزند، با تا راحتسری زنان را نگاه میدهند یکی از زنان کنار ما در داد عذبه می کشید و دلداریش میدهد و میگوید "مادریوا شتر جرف بزن، اعتقادی نیست تو را هم میگیرند، زن فریاد میزند "نگذار بکشند، اعدا هم کشند، من در مقابل حواسها، خمینی دارم، داد میزیم سسها سسیرسم و اعدا هم کشند رسی که به خمینی فرستاده بود و ارقبه من تر بود گفت "زاد سسکد آخه سسکی حرف نزنیم، دست روی دست گذا سسایم حواسها سسایم اعدا م سسود، هر روز ۱۰۰ تا ۱۰۰ تا اعدا م سسکند، گجای سسایم ۱۲ تا اعدا م سسود، اعدا سس محواس سسکل حواسها سس کلیمته، ریس بیرونیک مشت بیرو سسواد باقی سساید" او هم شک میزند و داد می سسدهد من مادرم، سسوا سسماکت سسایم

فرکها میروم حرف میروم، من میدوم - ما در آن بدبخت چند زحمت فرستادن خود را میکنند، بخدا قسم وقتی اسم بچه - های اعدا م شده را می شنوم، سس می لرزد، حال تقریبا "همه صحبت میکنند، همه - با رژیم محالند و اکثر "بدون کنترول فحش میدهند، را ندند میگویند "عزرا سسها مثل عرش پره میماند، زیبا دوا م - نمی آورند" ما در داد غذا رستهها بشن را بلند میکنند و میگویند "ای کاش خمینی سسکند سسنا همه زشرش را حث توبیم یک لحظه سسکونی سسکین ما بشن را فترا میگرد، سسندرا سسده ز داخل آینه سس مقلوم است اما فوراً "رسی که ما سسها ساکت بود میگویند" وای سس! چرا سسکند کند و را حث سسیرد، با پیدا و را به دست مردم بدهند تا محاکمه اش کنند، با سس بیرونوهها بشن را یکی یکی جلوس - چسنا بشن اعدا م کنند تا سس اندک به چه بدبختی و مشقنی بچهها را بزرگ می کنیم و آنوقت اینها به این راه حثی آسب کلههای سور سسده را بر پیر می کشند، آره باید بدست مردم سسند و محاکمه سسود، "کا زگری که با زن و بچه اش بود مشت کرده اش را به پشت صدلی جلوس میگویند و سس اعدا م که از خشم می لرزد میگویند "زاد میگویند خدا سسکند سسرد، وای بد زنده سسنا سسنا زوریکه مردم در خیا با سسها بگویند "مرک بر خمینی" تا مثل شاه از غصه ترس در سسرد شود و بد میبرد "ما در داد غذا رستهها سسند "آخه کی؟" میگویم "کم، کم ما در زمان شاه هم همینطوری بود، الان لرستان سه هزار نفر را سسها شتی کردند و مرگ بر خمینی گفتند، سسال هم همینطور، بیواش، بیواش سرتا سری میشه زن که به مقدر رسیده بود پیا ده می شود، سسهم سسها سس پیا ده می شود، "کا زگر جوان سسش را از سس سره بیرون میاورد و به او میگوید "ما در غصه نخور، ایندغه وقتی اوین را گرفتیم چنان خوابش می کشیم که با خاک یکسان شود

اینک خمینی، هر چند آخرین حلقه، اتصال دهشت سسدهها به رژیم، اما آن محوری است که کینه و خشم خلق نسبت به حاکمیت بیرویش سسمرکز گشته و پیش از پیش سسزچین میگرد، هر چند سسوزدر - مجامع عمومی مخالفت های علنی سسها خمینی، کسرتبه سسچشم میخورد، اما سسایمی شواهد، سسایمی صحبتها، کتایات، - آثارات، سخنان مجامع خا سسوادگی و، بیابنگر است که در چشم اندازاتی سسار "مرگ بر خمینی" آن شعاری است که سس قاندر است سسلیونها سسرا سسرا سسکیزد، بوسه خروش و اداره، این سسطنز تا ریج سسکسه دیا لکتیک سسکل انقلاب است که در چنین مدت کوتاه می قاندر است "درود سس خمینی" را که سسلیونها تقریبا سسایمی وجود با سسایمی سر میستی خرده سسوزو شتی فریاد میگردند "مرگ بر خمینی" بدل سسازد.

کازران هوادرادر	۱۵۰۰	رفقای روستای	۵۰۰	شهید سعید لویی	۲۵۰۰۰
چراغ سرق	۸۵۰۰	ولال	۵۰۰	رفقای اصفهان	۱۰۷۷۷
سرااران فدائی	۱۰۰۰	اکندر	۵۰۰۰	شهید حاج باقری	۵۸۸۸
م	۱۰۰۰	سیامک	۱۰۰۰	بیژن مجنون	۲۹۹۹
ف	۱۰۰۰	سیامک	۶۰۰	پیشگام بهشت	۲۱۱۱
ع	۱۰۰۰	بدون کد	۲۲۲۲	آشین	۶۰۰۰
فومن	۱۰۰۰	س	۶۰۰	مهرک حوادیه	۳۰۰۰
ک	۱۰۰۰	م- ق	۲۵۰		
ر	۲۰۰۰	ظا	۲۰۰		
مظفر	۲۲۲۲۲	رفقای کازان	۱۱۰	شهریور	۱۱۰
ز - ج	۱۰۰۰۰	موسرالی	۵۰	ریزله زندگان	۲۰
ن - ج	۱۰۰۰	ل م	۱۳۲۹	رفقای سوس	۲۲۲
رفقای سکاودکار	۲۰۰۰	رفقای کازان	۵۰۰	رفیق محمود سسائی	۲۰۰۰
سار - سار	۳۰۰۰				

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

# بحران رفرمیسم

صفحه ۲

جی های اکثریت در این سخن از روشنته خود بیگانه رسیده اند تا شاید بتوانند، خط و مرزهای مصنوعی میان خود و حجاج دیگر اکثریت مطرح کنندگان را تا مومنی بوده است آنها بیشتر مبتلا ثل سنگلانی را پیش کشند و اندک اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی را با ما را اسکندرسرا سرسانند حرکت متب او و ناله و شکوه چیزی دیده نمی شود و اختلاف آنها اختلاف درونی - رفرمیسم است، نیاید سروری گذشت، برای یک مارکسیست مهمان مسئله است که این مسئله را درک کند که چرا در صفوف رفرمیست ها اختلاف افتاده است و این مسئله از کجا ناشی میگردد.

واقعیت این است که انتصاب در صفوف رفرمیستها بسیار نگرین نیست گسه رفرمیسم در شرایط کنونی جنبش با آن - روبروست. علیرغم تمام تلاشها و کوششهای رفرمیسم در جهت با نحراف گشتادن جنبش توده ای از این تلاشها با شکست روبرو شده است. حزب توده و اکثریت محتما تلاش - نمودند تا مرفعی رژیم ارتجاعی حاکم بنامون یک حکومت ضد امپریالیست و - انقلابی جنبش انقلابی خلفهای ایران را با نحراف بکشند، اما اکنون جنبش به مرحله ای از تکامل خود رسیده است که نتنها اکثریت عظیم توده های مردم رژیم ارتجاعی حاکم بریده اند، بلکه مردم سقوط این رژیم نیز دیگر توده میشود. در جنبش شرایطی تلاطم جنبش انقلابی نمیتواند تا شیر خود را در صفوف رفرمیستها بر جای نگذارد و دورتکتگی سیاستهای آنها نمیتوانست منجر به یک انتصاب نگردد رسالت این انتصاب در این است که جای پای در جنبش انقلابی یا بنده توده ها پیدا کند. از این رو کنگره جی های اکثریت خود را برای انجام این رسالت آماده میسازد. آنها گره ها مورزها و تمام قوا از رژیم جمهوری اسلامی دفاع میکنند، اما در آینده تلاش خواهند کرد تا خود را

بنامون اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی مرفعی کنند و در این بروسه کلا "ملای این اما دگی را کعب نما بندند تا در صورت تنفیذ نتایج آن اساسی و با پند دیک قطب دیگر قدرت خود را در پشت سر آن قرار دهد. بحرسات دو، سه ساله اخیر در سپاه گراسپاهایی به جنبش انقلابی ایران - آموخته است. اکنون همه ما این واقعیت مسلم پی برده اند که اپوزیسیون فاقد هرگونه پرنسیپ است، بنا به شرایط مختلف تفسیر چهره میدهد، نظرات گوناگون در موضع گیریها ی گاه ها کلا "متفادارانه میدهد. اپوزیسیون هممان تحکمه از یک رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی، یک رژیم انقلابی و ضد امپریالیست با جهت گیری سوسیالیستی آفرید، در شرایط دیگر نیز قادر است، با این رژیم پیش کند و از یک بلوک قدرت دیگر دفاع نماید.

تمام عمارت پردازیهها، خط و مرز - کشیدن ها، و آه و ناله کنگره جی های اکثریت در سبانه، سنیا و نسیها یک واقعیت را منکسر میسازد و آن واقعیت بحران کنونی حاکم بر جامعه، چشم انداز انقلابی جنبش توده ای و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، و ورشکستگی کنونی سیاستهای رفرمیستی و با لنتیجه بی اعتباری

# اعدامهای مخفیانه انقلابیون

نقشه از منحنی

نه فقط بخاطر شرکت در تظاهرات، نه فقط بدلیل همکاری، هواداری و یا عضویت در سازمانها و گروههای انقلابی و نه حتی بخاطر داشتن افکار و عقایداتی مخالف رژیم، بلکه بخاطر داشتن ۲ ریالی در جیب، بخاطر سرو وضع "منگوک" بخاطر ترس موکت سری، تنگداری، همین کوبیل، بخاطر حضور در محلی نزدیک درگیری، بخاطر سر داشتن روزنامه انقلاب اسلامی..... جوانان بسیاری بخاطر هر چیز کوچک و هر چیز ساده حاکم افتادند خشم کورد زخم خونریز معده های نمی غنا خنده جوانان ساله ۱۸ سال، سه کودگان ۱۲ ساله ۱۳ - ساله، دختران نابالغ، زنان آستین، پسر مرد و پسر زن، همه و همه را از دم تیغ میکشادند. اگر آنکه در نقشش هشتم سیمت، چه پاک، برادرش، خواهرش، نند، پدر یا مادرش را اعدام میکنند، اعدام ها ی دسته جمعی ۲۰، ۳۰، پنجاه، پنجاه و عاقبت صد، صد بدون بسنی، در حال - دویدن، حتی در سلول و سنگل دسته جمعی، فجایی که هیچگاه نظیر ندانسته است. ننگهای جاودانه بشریت، آری رژیم بیش از ۵ ماه سرا سر میهمان را به کشتار بدل ساخت.

موج اعدامهای ددمنشا نه رژیم آخرین ذرات توهم خلق را نیز شست و همرا برد. موج خون، ماهه مقدس خمینی را نیز سر فرو انداخت و ما تک فریب و نیرنگ را از چهره اش بر کشید. در خمین با تمام وقامت در مقابل خلق ایستاد، و در دهی توده ها فرو افتاد.

مورضاتی بحث ها در این مدت اعدام جوانان انقلابی بدست جلادان رژیم است. موارد بسیار متعددی در گزارشات دیده میشود که تا آگاه ترین افراد، برانکسر اعدا میهای بی دربی، دل از رژیم بریده اند، نوهمنان نسبت به خمینی فروریخته چهره، جنايتکار رژیم را شناخته اند و در مقابل آن ایستاده اند، حتی در موارد - بسیاری از مخالفت با ساداران و وسعیه ها با رژیم طلب اعدا میها، استعفا و یا تعاضل به استعفا و یا در چند مورد دسوا نه شدن با ساداران - خصوص در اوین - دیده شده است.

هر اعدام، موهی از مخالفت، موهی از مخالفتن را در پی خود آورد. با خاک - افتادن هرما رز، نه تنها دستی دیگر جهت برگرفتن سلاحش دراز میشد، به تنها - گامهایی استوار تر در راهش نهاد میشد بلکه افرادی بسیار - شادمانی آنها که او را می شناختند - در مقابل رژیم مساف او را می راستند. اینک بر سر هر کوجه و در هر مرحله حمله ای قرار دارد و خانه های عزاداران است. محله عزاداران و از بیرون شهر، سراسر ایران عزاداران است چرا که بیش از سه هزار شکوفه نور رسیده بدست دیکتاتور حاکم بر پر شده اند. در جهان سزا اعدا میهای رژیم

انگاس و وسیع یافت. جهان بر جمهوری - اسلامی شورید، محامع بین المللی و نیروهای مترقی بر ضد اعدا میهای وحشیانه رژیم مرمی شدند، سازمانها ی ارفیمل عمومی الملل تیر ترحمت فشار را بر عمومی در مقابل جنایات رژیم موضع گرفتند. - راهسپاهانی ها، تحصن ها و اعتراضات - بسیاری از سوی دانشجویان رزمنده ایران در خارج ارتشور و همچنین ما بر نیروهای مترقی انعام گرفت و جنایات هولناک رژیم را با رسانی هر چه کسرنده برداد. بهر رو، اینک در مقابل او جگسیری اعتراضات توده ها و مبارزات روز افزون آنان بود. در مقابل سبل اعتراضات جهانی نسبت به اعدا میهای وحشیانه انقلابیون رژیمش به عقب نشینی داده است و از - ایرونا هدف رو کشتنسی اعدا میها هشتم اما این عقب نشینی بهیح روی به ممتنی - قطع اعدا میها نیست. رژیم حتی در اوج - اعدا میها نیز تمام می کشتار خود را اعلام نمیکرد، بسیاری از اعدا میها و کشتارهای زیر شکنجه اعلام نمیشد و اینک رژیم بیش از مخفی انقلابیون.

رژیم اینک بسیاری از جوانان را زیر شکنجه شهید میکنند و با بوجه های مرگ - میسپارد بدون آنکه کوچکترین خبری در این مورد اعلام کند. اینک هزاران - خا توده از سر نوشت فرزندان امیر خدود کوچکترین اطلاعی ندارند. احسان بسیاری از اعدا میشدگان و کشته شدگان تا بسود میشود، در کودهای جمعی دفن میگردد و با به مکانهای نظیر آب انبار سیف در بو شهر یا مدیانه، تنگ قم - مکانی که شاه اجماد را مسداخت تا تنگ خود را بسوزاند - ریخته میشود. اکنون رژیم میزان بسیاری از اعدا میهای خود را روحت خشم خلق به پشت برده برده است و اینگونه می نماسد که اعدا میها متوقف و یا بسیار کم شده است. احسانرگان "موشی که بدست ما رسیده است از بسیاری اعدا میها و کشتارهای جوانان در زندان، اطلاع میدهد.

اینک باید این نگرید کشف رژیم و اس کشتارهای مخفیا به جلادان را در وسیع ترین سطح ممکن افشا، نمود در جهان بگوشش شما می مردم و نیروهای سرفسخواه رسانند اینک جهان دهها هزار انقلابی که در دست رژیممان و در قمرسیا هالی شاه ساخته اسپرند در خطر است، و هر لحظه ای که میگردد به سمت جان یک یا چند جوان تمام میشود. با بدما رزهای بی امان را حول شمسار "آزادی زندانی سیاسی" تنگ داد. باید سهرطری به مقابله با اعدا میها، شکنجه و دستگیری انقلابیون پرداخت. زندانی سیاسی، به همت توده ها، آزاد - باید گردد

جمهوری اسلامی، با قهر انقلابی، نری بسود باید گردد

نقش و موقعیت حزب توده را در سطح جنبش با زحوا همداخت و دیگر برای همیشه - رسالت حزب توده بنامون یک سازمان رفرمیست از زمان حوا هدرت، اما چنانچه جنبش دجا رر کودسیا می گردد، سرنوشتانین گروه حزبا سودی چیز دیگری نخواهد بود و این همان حزب توده است که نقش خود را بنامون حزب بازش ظمقاتی ایفا خواهد کرد.



# اخبار

گلیا یکسان - در جریان اختلافات حقیقه و طرفداران ولایت فقیه، امام جمعه شهر در مخالفت با جناح ولایت فقیه در نماز جمعه صحبت میکند. با ساداران طرفدار ولایت فقیه با طرفداران امام جمعه درگیر می شوند (در محل نماز جمعه) بدستال این درگیری شهریه حالت نیمه تعطیل در می آید چنانچه با بسته شده و مدرسه ها نیز تعطیل میگردند. فقط تعدادی از مدارس با زبده است. امام جمعه گلیا یگان منتخب است الله گلیا یگانی است که ظاهراً طرفدار رجعتهاست.

سندج - هفته اول آبان در سینما شهر فرنگ سندج فیلم از نشان دادن فیلم، «وقایع انقلاب را نشان میدادند، مردم با دیدن خمینی به عنوان اعتراض شروع به مسخره کردند، هوشنیدن نمودند، از آن روز سینما را به مدت ۱۵ روز تعطیل کرده، پشت در سینما سوختند؛ به خاطر آنها نت به مقام رهبری سینما به مدت ۱۵ روز تعطیل است.

اصفهان - در اصفهان شایع شده که دوزخ حامله را اعدام کرده اند. مردم شدت از این حرکت رژیم برای نزع بار می نمودند بطوریکه مظاہری، حاکم شهر اصفهان مجبور شد در برنامۀ تلویزیونی شرکت کرده و این خبر را تکذیب کند. او میگوید: ما دوا دمی داشتیم یکی ۱۵ ساله و دیگری ۱۷ ساله که سوراخی داشتند و چون ضمن ارتکاب جرم دستگیرشان کرده بودیم اعدام شدند. در موقع دفن دو جسد نوزاد از بزرگ قانونی آورده بودند که اشتباهاً پهلوی جسد آنها دفن کردیم. یک جسد را از پزشکی قانونی آورده بودند که زن دو قلوجا مله بوده است. پس از شنیدن سخنان حاکم شرع، جوشهرنا آرام نرسند. حزب اللهی ها برای برگرداندن آذهبان توده ها به یک راهیما شی علمه بی حجابی دست زدند (خبر مربوط به آبان ماه میشود) مردان به کردن اتوبوسهای شرکت واحد که در جنوب شهر تهران به مرحله اجرا درآمد و با اعتراض مردم و ویران شدن ضراب زنی میورد اجرا قرار گرفته است؛ اتوبوسهای شرکت واحد نیز با بوسه زنی و تخریب و قسمت تقسیم کرده اند که خانها از درب عقب و آقبان از درب جلو وارد می شوند.

تهران - نیمه آبان - در نیمه های شب با ساداران به خیال کشف خانه تیمی به یک مغازه که سکا رگران مغازه به علت بی جاشی شبها در آنجا می خوابیدند، حمله کرده و میادرت به تیراندازی می کنند. اکثریت اهالی از منزل بیرون آمده با دستگیری سکا رگرو توسط ساداران مواجه میشوند. مردم اعتراض کرده و با ضامنیت یکی از اهالی کارگران آزاد میشوند. تهران - او خرابان - با ساداران در بهشت زهرا سرآری را که در محل دفن فلسی رفیق سعید سلطانی (فسرخالی) ایستاده بوده است دستگیری میکنند. آری عطر خاک آغشته به خون فدائیان خلق نیز آگاهی می آورند و جیره کربه رژیم ضد خلقی اسلامی را عربان ترمی میزد.

۸/۹/۱۸: در این تاریخ، رژیم لایحه ای مبنی بر افزایش نرخ حق التمت مرسوله سفارش و بیمه و حق التمت هوا ما نسبت بسی، توسط مجلس تصویب کرد. اتحاد چسب سیاسی نشان میدهد که رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی برای رهایی از بحران دم مزون اقتصاد دی، مردم را بیش از پیش تحت فشار قرار میدهد تا تا بدستوا اند حکومت جا برانه خویش را حفظ کند.

غیری در باره بازاری پالایشگاه  
۱- از مهندسين نفت با کتانی برای بازاری پالایشگاه به ایران دعوت شده و بسیاری از آنها به ایران آمده منتظر خاتمه جنگ هستند.

ارتش ضد خلقی پاکستان، میهمان رژیم - خدا میریالست! ایران!

تعدادی از پرسنل ارتش ضد خلقی پاکستان که به مکه اعزام شده بودند در تاریخ ۶۰/۸/۱۴ (سه روز تعطیل تاسوعا و عاشورا) میهمان رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بودند. این میهمانان خدا میریالست! در راه بازگشت به پاکستان سری هم به دوستان ارتشی خود در ایران زدند (بعوت رژیم خدا میریالست اسرار) ارتش پاکستان همساله تعدادی از مزدوران خود را (از مقامات بلند پایه ارتش تا تعدادی از افسران درجه داران) که در جاکستان نسبت به رژیم ضد خلقی پاکستان تردیدی نیست به مکه اعزام میکنند، حال این جاکستان خدا میریالست! میهمان رژیم جمهوری اسلامی بودند. برای اینان در پاکستان که در گردانی را به منظور پدید آوری آماده کرده بودند. این مزدوران ۲ روز در پاکستان ۱۰ که در سیرت و دین و تعریف از خدا می خدا میریالست رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. بعد از آن، این جناح خدا میریالست! در سر راه خود به پاکستان ۵۰ سیرت نیز سری زدند. در آنجا رئیس اداره سیاسی - ایدئولوژیک - امنیتی خونا دکوئی از آنان خواست تا صدای حق طلبانه ارتش! را به ارتش ضد خلقی امپریالیست! پاکستان برسانند تا دست هم داده و دست آمریکا را از آنجا هما کنند ایران! کوتاه کنند زهی - بیشتر می و قواحت، سرپرست هیئت پاکستانی که یک ژنرال سرسپرده ارتش ضد خلقی پاکستان بودند در ضمن سخنرانی خود پس از تمهیدات اعمال خدا میریالست! رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قول داد که صدای او را به ارتش پاکستان برسانند! این هیئت پس از یک روز اقامت در پاکستان ۵۰ به پاکستان عزیمت کرد.

شرکت آدمیران بن شیراز رژیم جمهوری اسلامی از آغاز حکومتش به انواع سرنگها از اجاد دوراهای فرمانی گرفته تا اخراج و اعدام کارگران مبارز و انقلابی منوئل شد تا مبارزات کارگری را سد نماید. اما کارگران این بگانه طفله بگیکر که رسالت تاریخی خاک جامه را به عهد یادارند علیه رژیم حواریت و وحشت به مبارزات خویش سر علیه سیاست های ارتش می حاکمیت ادامه میدهند. شرکت آدمیران شیراز که واسه به "سیاستمداران" است حدود ۲ ماه است که جهت ادامه دستمزد، دست به اعتصاب زده اند اما دولت ضد کارگری جمهوری اسلامی نتنها تاکنون با سختی بلکه خواستهای آنان نداده است. بلکه زمانیکه نمایندگان کارگران سیاسی سرپرستمانا در تهران نما می گرفتند تهدیدها، حراج و دستگیری شدند. اما این پولادین کارگران ندانسته و مصما به مبارزه خویش ادامه داده و هنوز در حال اعتصابند. آری کارگران صدانند که مبارزه خویش تنها چیزی را که از دست خواهند داد در میرها نشان است. اما شایع تا تاریخ ضرورت نشده، احتمالاً توسط به او خرابان است.

۶۰/۹/۷ - بخشنامه ای در این تاریخ از سوی وزارت بهداشتی، مبنی بر جلوگیری از اشتغال به کار دانشجویان رشته پرستاری در بیمارستانها مقرر گردید. بر اساس چنین بخشنامه ای، بسیاری از دانشجویان پرستاری که احداً قبل یا به حقوقی در بیمارستانها مشغول به کار بودند از این منبع درآمد محروم شدند. از طرف دیگر در شرایطی که بیمارستانها شدند تا کمبود پرسنل (پرستار) و سوخت ناپدید کردن این نیروی انسانی، سانگر و رستگاری اقتصادی رژیم است که میگویند با اخراج این دانشجویان و کاهش هزینه آن، گرهی از کلاف سردرگم بحران باز نیاید.

جالب اینجاست که در این بخشنامه آمده است، بدلیل آنکه دانشجویان میباید تمام وقت خود را صرف تحصیل علم و دانش نمایند و در وقت به کار آنان در بیمارستانها تا تمهید داده شود و این در شرایطی است که دانشگاههای کشور که مهد علم و دانش هستند، هنوز که هنوز است تعطیل میباشند.



یکی از کارگران شرکت نفت که فرزندش مبتلابه سرطان است جهت اخراج از خروج از کشور برای معالجه فرزندش به وزارت بهداشتی مراجع کرده است، این کارگر زحمتکش تمام زیندگیش را فروخته تا بتواند هزینه سفره فرزندش را فراهم کند. اما وزارت بهداشتی برای اجاره خروج از کشور نداده است. با توجه به اینکه پزشکان شرکت نفت رفتن وی را به خارج جهت معالجه لازم و ضروری میدانند اما وزارت بهداشتی بر تصمیم خویش پافشاری میکند تا اینکه سرانجام این جوان بیمار را همراه مادرش به مناسی وزیر بهداشتی مراجعه میکنند اما این حیره خوار رژیم به آنان میگوید: "این همه جوارن نوی جنگ کشته میشی، خوب تو هم اگر سیربی طوری نمی شود!!! بیچاره میگوید خوب آنها برامافع شما دارن کشته میشی که منافی میگوید: "من هیچ وجهه توجا از زهره خون نمی دم. هنگام خروج از طاقی منافی این جوان بیمار میگوید "چطور یک پیشرفت توی چشم مرعی، فوری با هوا بیماری خصوصی فرستادیش اسپانیا یا سادار سما به محافظان آقای وزیر که جلوی در کشیک میداد گفت: "پشیمان برای مملکت فرورسیدی هستند اما توجی؟" و اینست شیوه سر خوردن کمیت ضد خلقی با زحمتکشترین افتخار خلق.



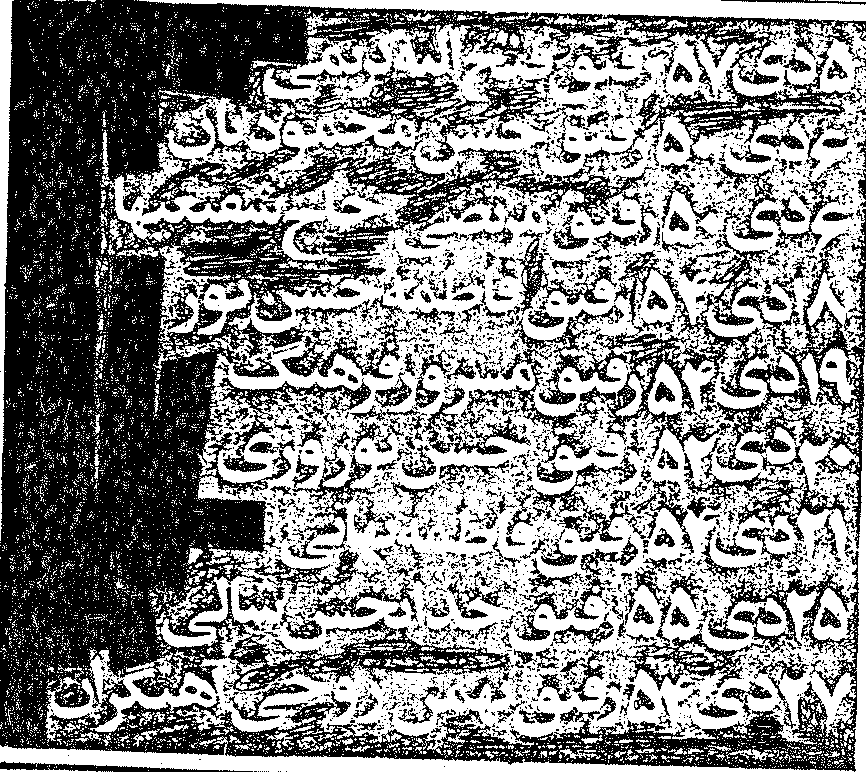
در تمامی که نمایندگان سندیکاها وزارت کار گرفته اند، مسئولین وزارت کار گفتند ما در آینده در طی اعلامیه ای بطور رسمی سندیکاها و خصوصاً سندیکای چاپ و غیر چاپی اعدام خواهد کرد. شکوهی یکی از نمایندگان طرفدار حزب که حق عضویت کارگران در سندیکا را دریافت می نمود، مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال را که از این حق عضویت کارگران از قبل در دستش بوده مسئولین جدید سندیکا تحویل نداده است. و علت آنرا گفته که من از قبل میدانستم سندیکای غیر قانونی خواهد شد و به من گفته بودند که بیول سندیکارا تحویل بدم.



پتاب است خون من درد دست کارگر  
داس است خون من درد دست بزرگر



گرامی باد خاطره شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



گزارشی تکمیل شده  
از جنایات رژیم  
در زندان اوین

در یکی از خیابانها جهت رفتن به خانه در حرکت بودم که ناگهان دو نفر با سدا پراخ را سد کرده با یک حالت ترس از نزدیک شدن گفتند میخواهم شما را با زدی بدینی بگیریم و پس آنها مرا به داخل یک ماشین و از آنجا داخل ماشینی دیگر برده مرا با زدی بدینی کرده و سپس چشمها بپوسته بستند و دندان او را بردند. در زندان مجدداً با زدی بدینی کرده مرا تحویل پاسداران زندان دادند پس از طی ۳۰ روزه در زندان احساس کردم وارد سالن بپوشی شدم در آنجا گفتند همین جا بایست. در این مدت همواره چشمها بپوسته بود. در این سالن تعداد دزدیای دختر و پسر بنشینته با خوابیده بودند. تعداد دزدیای هم آه و ناله میکردند پاسداران مراقب بودند که دستگیرندگان با هم صحبت نکنند و تا میخواهیم حرفی بزنیم با پاسداران زن و مرد می گفتند خفه شوید. حدود نیم ساعت بعد من گفتم میخواهم بروم دستشویی، مرا بردند. در داخل دستشویی می توانستیم چشم بندها بپوشانیم را با رنگ کنیم. در آنجا دیدم که تعدادی از بچه ها باهایشان (قسمت روی با) کج گرفته بودند نمی توانستند راه بروند. تعدادی هم از پس شکره شده بودند نمی توانستند بپوشانها بپوشان با بستند و حالت تهوع و سرگیجه و سرما خوردگی شدید داشتند و نمی توانستیم شوالی بگیریم چون دانشا پاسداران داخل و خارج می شدند و بعد هم نمی دانستیم در میان این بچه ها کسوس هست یا نه. تا این زمان هنوز نمی دانستیم به چه جرمی دستگیر شده ام خود دستگیر کنندگان نیز اینرا نمی دانستند حدوداً "نیم ساعت پس از آنرا رگشت از دستشویی مرا به اتاق بازجویی احضار بقیه در صفحه ۸

### معامله با امپریالیستها زیر شعارهای ضد امپریالیستی

کرده ایم و اینک حق ما است که آنها را تحویل بگیریم و پس از اسرائیل بویست خریدار آمریکا بپوش آمد. اف. سی. آی در هفت گدشته اعلام کرده دولت ایران - تقاضای خرید لوازم بدکی اف ۱۴ را کرده است. اینها نیز دولت فریبکار جمهوری اسلامی که تاکنون خود را دشمن آمریکا قلمداد نمیکرد و تصور نمیکرد که همبیمانش زسوا بشی نما بدو حجت زده اعلام کرد که چنین خریدی صورت نگرفته است ما نمی رفسحانی مجدداً "صحنه سازی را آغاز کرد تا ریسنه دهنی لازم جهت اسن خریدار فرامها زد و گفت: ما فقط اسات بدکی هوا بیما را قبلاً از آمریکا خریده ایم و اگر بخواهیم با بد آنها را به ما بدهند (کشان اول دیماه ۶۰) بقیه در صفحه ۶

مردم ایران عدلهاست تجربه کرده اند که هرگاه شعارهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی رژیم غلط تر نبود - حریاتانی در پس برده در شرف وقوع است اگر چندی پیش که خرید سلاح از اسرائیل بر ملا شد اسناد سردمداران رژیم و قیچا نشه به انگار اسن امیر برداخته و جنیدی بعد مشخص شد که این سلاحها از طریق واسطه های صومالی از اسرائیل خریداری شده است و چون خرید سلاح اروا سله ها بدلیل گرانای سنتر و کمبود ارد دیگر به امری دشسوار بدل شده بود رژیم ما مله مسقیم را سینه کرد و در این واسطه ها نمی رفسحانی در ستنان خود در این واسطه گفت که البته ما در گذشته در زمان رژیم شاه از اسرائیل اسلحه خریده ایم و بولش را برداخت -

### مبارزات دانشجویان انقلابی ایرانی در خارج از کشور

اعتماد غذای دانشجویان مبارز - ایرانی در آلمان، در اعتراض به جنایات رژیم جمهوری اسلامی رفقای دانشجویی هوا دار سا زمان در آلمان فدرال و برلن غربی بمسطور جلب افکار عمومی و نیروهای مترقی و اسان دوست در آلمان. به حسابات رژیم جمهوری اسلامی، و بمسطور تلاش برای شکستن سکوت مطبوعات دربار و کناره های ددمنانه رژیم جنایتکار خمینی از روز دوشنبه ۴ آبان (۱۳۶۰ کثیر) برای تلاش در جهت خواستهای زیر در برلن عری و اردا عتفا بر غذا شدند: (۱) اعزام هیئتی متشکل از نمایندگان "سازمان" بقیه در صفحه ۱۴

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد